

تئیه‌های امروز

رئیس‌جمهور آینده ایالات متحده از گلوگاه کارولینای شمالی می‌آید

بیم آمریکایی از شورش انتخاباتی



صفحه ۱۵

«وطن امروز» گزارش می‌دهد

بحران در منابع طرح تحول سلامت

صفحه ۴

مجری برنامه تلویزیونی «متن، حاشیه» در گفت‌وگو با «وطن امروز»:

از گفت‌وگو می‌ترسند از آزادی حرف می‌زنند

صفحه ۱۳

زنجیرهای اظهارات آیت‌الله آملی لاریجانی درباره روحانی را سانسور یا تحریف کردند

بی‌خیال آزادی

صفحه ۲

نگاه‌امروز

رئیس ما «جمهور» است

حسین قدیانی



چه نسبتی دارد با بدیهیات تدبیر، اینکه حتی در افتتاحیه نمایشگاه مطبوعات هم کمافی‌السابق زبان علیه رسانه‌های منتقد باز کنی، آن هم با چاشنی حمله به دستگاه قضا؟! و جالب اینکه در همان سخنرانی، گله کنی از شکستن قلم‌ها و بستن دهان‌ها؟! اتفاقی که شبیه رخ دادا یکشنبه‌ها معاون حقوقی، این‌بی‌تدبیری را کامل کرد، آنجا که ضمن رونمایی از گارد جدید دولت علیه امثال قلم، مدعی کیبی‌برداری روزنامه‌ها، منتقد دولت از «منافقین» شد! واقعا یعنی چه این ادبیات؟! زشت نیست؟! دون شأن لباس روحانیت نیست؟! از الفبای اخلاق و مسلمات مروت بدور نیست؟! من که اصلا دوست ندارم از این حرف‌ها بزینم لیکن حالا که حضرات خیلی دوست دارند با این توهین‌های دم‌دستی و سخف، «کیی‌پرداز از منافقین» را بشناسند، آیا استبعاد دارد «بنده خدا» بی‌هم پیدا شود و بگوید: چه خوبا بد نیست کمکی به ایشان کنیم! و ببینیم از «منافقین» چه کسانی الگو می‌گیرند و سرمشق می‌نویسند؟! اگر مالک از «منافقین» معنای لغوی آن باشد، یعنی جماعت دوچهره! حال ببینیم از این جماعت دورو و از این صفت زشت دورویی، چه کسی مشغول «کیی‌برداری» است؟! من و ما که در روزنامه و دادگاه، حرف‌مان یک حرف و موضع‌مان یک موضع است یا کسانی که با بدترین پیشینه ممکن مبنی بر فشار به مطبوعات، «ندای آزادی قلم» سر می‌دهند؟! جناب انصاری برای نیل به مقصود، لاجرم باید در این اظهارات مهم آیت‌الله آملی، دقت وافر کنید: «برادر بزرگوار! شما خودتان شفاها یا کتبا، با واسطه یا بی‌واسطه، بارها گفته‌اید چرا با فلان روزنامه یا فلان سایت برخورد نمی‌کنید یا نزد رهبری گلايه می‌کنید چرا دستگاه قضا با فلان روزنامه برخورد نکرده است اما بین اهالی مطبوعات ندای آزادی سر می‌دهید»! آری! کیی‌برداری از «منافقین به معنای عناصر دورو» دقیقا یعنی همین! لذا من باب تصحیح آن ادعای عاری از اخلاق و ادب، باید عرض کنم آنچه من و ما مشغول الگوگرفتن از آنیم، صحیفه نور واحد خمینی بت‌شکن است! و اما فرض دیگر آن است که مراد معاون حقوقی از «منافقین»، همین گروهک تروریستی معلوم‌الحال باشد! اشکالی ندارد!

ادامه در صفحه ۵



واکنش‌ها به اظهارات انقلابی آیت‌الله آملی لاریجانی درباره تناقض قول و عمل حسن روحانی در حوزه آزادی بیان

دولت: باید بگوییم!

صفحه ۲

به دنبال تحدید آزادی در پس پرده‌ها

رضا مشتاقی

قوه قضائیه، حق دادخواهی هر فرد، اصل استقلال قاضی، اصل لزوم حضور هیات منصفه در رسیدگی به جرائم مطبوعاتی و علنی بودن محاکمات - که در اصول ۶۱، ۳۴، ۱۵۹، ۳۴، ۱۵۶، ۱۶۸، و ۱۶۵ قانون اساسی مورد اشاره قرار گرفته‌اند- محسوب می‌شود. تفوق امر سیاسی بر امر قضایی در تحدید آزادی‌های رسانه‌ها عاقبت مبارکی را در پی نخواهد داشت. انتظار گرانی نیست اگر توقع داشته باشیم معمول، به توصیه‌ها و درخواست‌های مخفیانه رو می‌آورد؟! از کلام رئیس قوه قضائیه چنین برمی‌آید که رئیس‌جمهور یک ایراد ساختاری به نظام قضایی ندارند که با ریزنی‌های پشت پرده قصد اصلاح آن را داشته باشند بلکه مطالبه ایشان صرفا «برخورد با فلان روزنامه و سایت» است. در واقع در عین اینکه راه قضایی برای برخورد با رسانه‌هایی - به زعم ایشان متخلف- باز است و ایشان نیز کم از این راه استفاده نکرده‌اند که همین جریده متنوع ما بیش از ۱۵ بار راهی دادگاه شده است اما رئیس‌جمهور در کنار راه‌حل قضایی که به کرات از سوی دولت‌مردان تدبیر و امید انتخاب شده است، راه‌حل سیاسی را نیز برای محدود کردن آزادی بیان رسانه‌ها در پیش گرفته‌اند.

۲- پارادوکس در کلام و رفتار سیاستمداران چیز جدید و عجیبی نیست. مردم دنیا عموما و مردم ایران خصوصا به آن عادت کرده‌اند. آنچه به مراتب ترسناک‌تر و خطرناک‌تر از این پارادوکس میان رفتار و گفتار رئیس‌جمهور است، حرکت دولت به این سمت است که در تحدید آزادی‌ها به این شکل امر سیاسی یعنی رفتار بالا به پایین را جایگزین امر قضایی کند. دولت نباید با دور زدن دادگاه و هیات منصفه به دنبال آن باشد که با توصیه دادن و توصیه گرفتن مخالفان و منتقدان فرضا متخلف خود را ساکت کند. رئیس‌جمهور حقوقدانی که بارها بر حقوق قانونی شهروندان که مصرح در قانون اساسی و دیگر قوانین است تاکید کرده و بعضا از نقض چنین حقوقی انتقاد می‌کند، نباید در خفا رو به روش‌هایی بیاورد که نقض اصل تفکیک قوا، اصل انحصار اختیار حکم به مجازات دادن و اجرای آن به

فراوندهای قضایی به‌رغم تمام عواقب سنگینی که می‌تواند در پی داشته باشد بر محدود ساختن سیاسی آزادی بیان ارجحیت دارد. «سانسور و محدودیت پیشگیرانه آزادی بیان، ابزاری به مراتب موثرتر و سرسری‌تر از برخورد با دیدگاه‌های مخالف و منتقد است و در نتیجه در قیاس با مجازات، خطر بزرگ‌تری نسبت به «آزادی» است.»

۲- در واکنش به سخنان اخیر دکتور روحانی مبنی بر اینکه «شکستیم قلم‌ها را به بهانه‌های واهی، نندیدم دهان‌ها را با بهانه‌های غیراساسی؛ بگذاریم در این جامعه آزادی باشد و بگذاریم آزادی مسؤولانه باشد»، آیت‌الله آملی لاریجانی، ریاست قوه قضائیه گفته‌اند: «برادر بزرگوار! شما خودتان شفاها یا کتبا، با واسطه یا بی‌واسطه بارها گفته‌اید که «چرا با فلان روزنامه یا فلان سایت برخورد نمی‌کنید؟» یا نزد مقام معظم رهبری گلايه می‌کنید که چرا دستگاه قضایی با فلان روزنامه برخورد نکرده است اما وقتی بین اهالی مطبوعات و رسانه حضور می‌یابید ندای آزادی مطبوعات سر می‌دهید و اینکه قلم‌ها را نشکندید و دهان‌ها را نبندید!»

اولین نکته‌ای که به نظر می‌آید، پارادوکس موجود در سخنان علنی رئیس‌جمهور و رفتار ادعایی ایشان در پس پرده است. البته در دفاع و توجیه رفتار ایشان می‌توان گفت «ایشان هم معتقد به آزادی بی‌حد و حصر قلم‌ها و دهان‌ها نیستند و رفتار در پس پرده ایشان منصرف به نوشته‌جات و بیانات خارج از چارچوب قانونی و شرعی آزادی بیان است.» اما در این صورت هم یک نکته غیر قابل دفاع و توجیه باقی می‌ماند. چرا رئیس‌جمهور در مقابله با چنین نشریات و بیاناتی به لابی‌های پشت پرده و چانه‌زنی با سران دیگر قوا و رهبر انقلاب متوسل می‌شود؟ امروز هر شهروند ایرانی در صورت اعتقاد به مظلوم واقع شدن در رسانه‌ها می‌تواند برای

www.vatanemrooz.ir

در شبکه‌های اجتماعی



@vatanemrooz

پیامک خوانندگان

۱۰۰۰۲۲۳۱

سلام وطن

۶۶۴۱۳۹۴۲

گفت‌وگو

گفت‌وگوی «وطن امروز» با دکتر پرویز امینی درباره فشار روحانی برای برخورد با رسانه‌ها

با آمریت، بیشتر میانه دارند تا آزادی

اظهارات اخیر رئیس دستگاه قضائیه، برفشار رئیس‌جمهور برای توقیف و تعطیلی رسانه‌ها و حتی گلايه نزد رهبری برای تعطیلی روزنامه‌ها موضوع مهمی است که در ادامه تعارض‌های گفتاری و رفتاری دولت یازدهم است. اینکه رئیس‌جمهور در جمع اهالی رسانه از آزادی بیان سخن بگوید و در خفا برای تعطیلی رسانه‌ها فشار بیاورد، از وجه مختلف قابل بررسی است. ویژگی‌های شخصیتی حسن روحانی و وضعیت دولت یازدهم در شرایط امروز و نسبتی که با آزادی بیان برقرار می‌کند، موضوعی است که پیرامون آن با دکتر پرویز امینی، جامعه‌شناس و پژوهشگر مسائل سیاسی گفت‌وگو کردیم.



■ در حال حاضر وضعیت دولت یازدهم و نسبتی را که با آزادی برقرار می‌کند چگونه می‌بینید؟ پیش‌تر موضوعی را مطرح کردم با این عنوان که سیاست رسانه‌ای دولت «عکسبردار» است. رئیس‌جمهور در اجتماعات مختلف حرف‌هایی را مطرح می‌کند که مناسب اقتضای آن اجتماع باشد نه اینکه خود به آنها باور داشته باشد. رئیس‌جمهور چیزی می‌گوید که آن محیط و کسانی که آنجا هستند، بپسندند.

■ چرا می‌گویید تصویری که روحانی از خود نشان می‌دهد با واقعیت انطباق ندارد؟ ببینید! مثلاً روحانی درباره فیلم مارمولک در دوره‌ای که دبیر شورای عالی امنیت ملی است چه می‌گوید؟ فیلمی که به زعم خیلی از مذهبی‌ها اساسا مساله‌ساز نیست اما روحانی پس از تماشای فیلم می‌گوید «حتی در رژیم شاه هم کسی جسارت ساخت فیلم موهنی مثل مارمولک را نداشت». واقعا کسی با چنین دیدگاهی چه مدعایی می‌تواند درباره آزادی داشته باشد؟

■ در درست در سال ۸۰ و حاکمیت جریان دوم خرداد و رایج بودن شعار آزادی، در مجله راهبرد شماره ۲۰، متعلق به مرکز تحقیقات مجمع مدیرمسئول آن نیز آقای روحانی است، سخنرانی وی (اواخر سال ۷۹) راجع به امنیت عمومی منتشر شده است. ببینید آقای روحانی چه دیدگاهی درباره آزادی دارد؟ «حداقلی» و «تعطیلی» رسانه‌های متخلف را کاری «حداقلی» می‌داند و از «خداحفاظی» مسؤولان آن رسانه برای همیشه از «فعالیت‌های سیاسی واجتماعی» سخن می‌گوید. حالا من چند فراز از این صحبت‌ها را عینا می‌گویم که مساله قدری بیشتر روشن شود. رئیس‌جمهور ذیل عنوان خط قرمز ص ۲۳ مجله این بحث را مطرح کرده است: «هیچ کشور دموکراتیکی را در دنیا پیدا نمی‌کنید که برای احزاب و رسانه‌ها خط قرمز نداشته باشد، حتی یک مورد نیز پیدا نمی‌کنید. در کشورهای اروپایی و غربی اگر موضوعی از وزارت خارجه مصلحت نماند که در مطبوعات منتشر شود، امکان ندارد آن مساله طرح شود. محال است روزنامه‌ای آن را افشا کند. اگر سرویس داخلی و دستگاه اطلاعاتی آنها نخواهد مطلبی در رسانه‌ها مطرح شود، امکان ندارد آن مساله طرح شود. لاید می‌رسید اگر تخطف کردند و آن مساله را افشا کردند چه برخوردی با آنها می‌شود؟ آیا در دادگاه محاکمه می‌شوند؟ روزنامه را تعطیل می‌کنند؟ اینها حداقل است. اصلا آن رسانه و مسؤولان آن، برای همیشه باید از فعالیت سیاسی - اجتماعی خداحفاظی کنند». آقای روحانی در فرآزی دیگر از همین سخنرانی با تکرار مجدد گزاره بالا، آزادی بیان و تضارب آرا را به شروطی مشروط و بیان می‌کند و می‌گوید تشویق به آزادی بیان، بدون تحقق این شروط مثل این است که یک بچه ۱۰ ساله در کلاس دوره دکترا بنشیناند! این حرف‌ها در واقع خود واقعیت روحانی است. بنابراین اگر چنین کسی منتقدان را بی‌سواد و بزدل و بی‌شناسنامه و بروید به جهنم خطاب نکنند، باید تعجب کرد.

■ اما اظهارات آقای روحانی در نمایشگاه مطبوعات و واکنشی که رئیس دستگاه قضا به این اظهارات داشت، واقعا تکان‌دهنده بود. یعنی توقیف یک رسانه برای رئیس‌جمهور آنقدر مهم است که در حضور رهبری به خاطر بسته نشدن رسانه گلايه می‌کنند به نظر شما این عجیب نیست؟ نه! چیز عجیبی نیست. جناب روحانی به لحاظ شخصیتی و روانشناختی به شکل پررنگی اقتدارگراست و شخصیت‌های اقتدارگرا با آمریت بیشتر میانه دارند تا آزادی.

ادامه در صفحه ۵